

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Examining the Rule of “La-Zarar” in Damages Arising from Broken Engagements in Civil Law and the Viewpoint of Imam Khomeini

Mehdi Zarei Alami¹, Abbas Arab Khazaeli^{*2}, Seyed Mehdi Ahmadi³

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

* Corresponding Author's Email: a.arab1350@gmail.com

ABSTRACT

The central question of the present study is whether the rule of La-Zarar (“no harm and no harassment”) can serve as a legal basis for claiming damages arising from the dissolution of an engagement (namzadi) under Iranian law, and how the Civil Code and jurisprudential interpretations—particularly the opinion of Imam Khomeini—offer guidance on this matter. The significance of this topic lies in the absence of an explicit legal provision concerning compensation for material and moral damages caused by the annulment or termination of an engagement. This legal gap has consistently led to divergent judicial practices and uncertainty for the aggrieved party. A correct interpretation of the La-Zarar rule and its proper application can fill important gaps in ensuring fairness and preventing irreparable harm between the parties. Using an analytical-comparative approach, this study first examines the relevant provisions of the Civil Code (Articles 1035–1040) and the jurisprudential texts related to the La-Zarar principle, with a particular focus on the opinions of Imam Khomeini. It then critiques the existing approaches and interpretations. The overall findings of the research indicate that the La-Zarar rule, both in Islamic jurisprudence and in Iranian statutory law, can be invoked as a legitimate basis for compensating certain damages resulting from the breaking of an engagement, provided that the harm is extraordinary and provable.

Keywords: La-Zarar rule, damages, broken engagement, Civil Law, viewpoint of Imam Khomeini.

How to cite: Zarei Alami, M., Arab Khazaeli, A., & Ahmadi, S. M. (2024). Examining the Rule of “La-Zarar” in Damages Arising from Broken Engagements in Civil Law and the Viewpoint of Imam Khomeini. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 238-247.



تاریخ ارسال: ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۵ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۳ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۳۰ شهریور ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

بررسی قاعده لاضرر در خسارت برهم خوردن نامزدی، در قانون مدنی و دیدگاه امام خمینی (ره)

مهدی زارعی عالمی^۱، عباس عرب خزائلی^۲، سید مهدی احمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: a.arab1350@gmail.com

چکیده

بیان مسئله تحقیق حاضر حول محور این پرسش است که آیا قاعده لاضرر می‌تواند مبنای مطالبه خسارت ناشی از برهم خوردن نامزدی در حقوق ایران باشد و چگونه قانون مدنی و دیدگاه فقهی به‌ویژه نظر امام خمینی (ره) در این خصوص راهگشا است؟ اهمیت موضوع از آن جهت است که فقدان حکم صریح درباره خسارت معنوی و مادی ناشی از فسخ یا برهم خوردن نامزدی همواره موجب اختلاف رویه‌ها و تردید در حقوق زیان‌دیده شده و تفسیر درست از قاعده لاضرر و نحوه اعمال آن می‌تواند خلاهای مهمی در حمایت از اصل انصاف و رفع ضرر جبران‌ناپذیر میان طرفین را پر کند. این مطالعه با رویکرد تحلیلی-تطبیقی، نخست متون قانون مدنی (مواد ۱۰۳۵ تا ۱۰۴۰) و فقهی مرتبط با قاعده لاضرر و به‌ویژه آرای امام خمینی (ره) را بررسی و رویکردهای موجود را نقد می‌کند. نتایج کلی این پژوهش نشان می‌دهد که قاعده لاضرر، هم در بعد فقهی و هم در حقوق موضوعه ایران، می‌تواند به عنوان مبنایی معتبر برای جبران برخی خسارات ناشی از برهم زدن نامزدی مورد استناد باشد، مشروط بر آن‌که ضرر، غیر متعارف و قابل اثبات باشد.

کلیدواژگان: قاعده لاضرر، خسارت، برهم خوردن نامزدی، قانون مدنی، دیدگاه امام خمینی.

نحوه استناددهی: زارعی عالمی، مهدی، عرب خزائلی، عباس. و احمدی، سید مهدی. (۱۴۰۳). بررسی قاعده لاضرر در خسارت برهم خوردن نامزدی، در قانون مدنی و دیدگاه امام خمینی (ره). *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۲۳۸-۲۴۷.

یکی از موضوعات چالش برانگیز در حقوق خانواده، چگونگی جبران خسارات وارد شده بر طرفین نامزدی در صورت برهم خوردن این رابطه است. در حالی که قانون مدنی ایران در مواد ۱۰۳۵ تا ۱۰۴۰ مقرراتی درباره آثار و تبعات حقوقی نامزدی پیش‌بینی کرده است، اما در خصوص جبران خسارت‌های مادی و معنوی برهم خوردن نامزدی، تصریحی به چشم نمی‌خورد (Kātūziān, 2005). در این میان، قاعده فقهی لاضرر، به عنوان یکی از قواعد مهم در رفع تعارض‌ها و جبران ضررهای فاقد حکم خاص، همواره مبنایی برای مطالبه خسارت محسوب شده است (Khomeini, 2016). اهمیت تحلیل این قاعده با توجه به خلأ قانونی و اختلاف نظرات فقهی و حقوقی روشن می‌شود، زیرا تفسیر یا عدم اعمال آن در این حوزه تأثیر مستقیمی بر حمایت از قربانیان و حفظ عدالت اجتماعی به دنبال دارد (Sharī'at- Bāqerī, 2013).

هدف اصلی این پژوهش، بررسی امکان استناد به قاعده لاضرر جهت مطالبه خسارت‌های ناشی از برهم خوردن نامزدی و تبیین چشم‌انداز قانون مدنی و دیدگاه امام خمینی (ره) در این خصوص است. سؤال‌های کلیدی تحقیق عبارتند از:

آیا قاعده لاضرر می‌تواند مبنای مطالبه خسارت ناشی از برهم خوردن نامزدی باشد؟ رویکرد قانون مدنی و امام خمینی (ره) در قبال این گونه خسارت‌ها چیست؟ شروط و ضوابط جبران خسارت بر مبنای قاعده لاضرر کدام است؟

این تحقیق بر اساس روش تحلیلی-تطبیقی صورت گرفته است؛ بدین شرح که پس از مطالعه مفاد قانون مدنی و بررسی متون فقهی با محوریت فتاوا و آرای امام خمینی (ره)، نظریات حقوقی و آثار پژوهشگران معاصر نیز در تحلیل نهایی مدنظر قرار گرفته است. شیوه گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با توجه به متون اصلی و پژوهش‌های روز است. در سال‌های اخیر، پژوهش‌هایی با

رویکرد مطالعه قواعد فقهی در روابط مالی و خانوادگی انجام شده است. از جمله آثار مهم در این زمینه، کتاب «قواعد فقه» نوشته کاتوزیان (۱۳۸۴) (Kātūziān, 2005)، «تحریرالوسیله» امام خمینی (ره) (ج ۲) (Khomeini, 2016)، و مقالاتی مانند «تحلیل قاعده لاضرر در حقوق خانواده» (Sharī'at-Bāqerī, 2013) می‌باشد که هرکدام به نحوی جنبه‌هایی از لاضرر را در حوزه نامزدی یا سایر عقود مورد توجه قرار داده‌اند. با این حال، پژوهش حاضر سعی دارد با تلفیق تحلیل فقهی و حقوقی، به بررسی عمیق‌تری از این موضوع بپردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعریف قاعده لاضرر با استناد به منابع فقهی و حقوقی

قاعده لاضرر یکی از قواعد مهم و بنیادین فقه اسلامی است که بر اساس آن، هرگونه حکمی که موجب ضرر و زیان غیرمتعارف به فردی گردد، در شریعت اسلام نفی شده و معتبر نیست (Subhāni, 2010). مستند اصلی این قاعده، حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است که در منابع متعدد روایی امامیه از جمله در کتاب وسائل الشیعه آمده است (Hurr 'Āmilī, 2016).

از منظر حقوقی نیز قاعده لاضرر به عنوان ملاکی برای تشخیص حکم در موارد فقدان نص یا ابهام قانونی به کار می‌رود و مشهور فقهای امامیه آن را مبنای رفع هر گونه ضرر غیر متعارف در عقود و ایقاعات می‌دانند (Kātūziān, 2005; Khomeini, 2016).

جایگاه قاعده لاضرر در حقوق ایران

قاعده لاضرر جایگاه مهمی در قوانین ایران دارد. اصل ۴۰ قانون اساسی صراحتاً مقرر می‌دارد که «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». همچنین مواد متعددی از قانون مدنی، از جمله ماده ۱۳۲ و ۱۳۲ قانون مدنی، به صورت ضمنی یا صریح برگرفته از مضمون قاعده لاضرر هستند (Kātūziān, 2018). فقها و حقوقدانان ایرانی

قاعده لاضرر را به عنوان ابزاری برای جبران خسارت در روابط خانوادگی، قراردادی و اجتماعی معرفی کرده‌اند و در بسیاری موارد نبود حکم صریح قانونی را با استناد به این قاعده رفع می‌کنند (Hosseini-Niyā, 2009; Shari'at-Bāqerī, 2013).

مفهوم نامزدی و آثار حقوقی آن در قانون مدنی

در قانون مدنی ایران، نامزدی با عنوان «وعده ازدواج» در مواد ۱۰۳۵ تا ۱۰۴۰ تعریف شده است. طبق ماده ۱۰۳۵ ق.م: «وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند...» و هر یک از طرفین می‌توانند مادام که عقد نکاح جاری نشده، از وصلت امتناع نمایند. با این حال، ماده ۱۰۳۶ و ۱۰۳۷ شرایطی جهت مطالبه خسارات ناشی از برهم خوردن وعده ازدواج را پیش‌بینی می‌کند؛ به ویژه در مواردی که از تقصیر یا سوءنیت یک طرف ضرری متوجه دیگری شود، مطالبه خسارت از قبیل هزینه‌های انجام‌گرفته یا لطومات حیثیتی، منوط به اثبات تقصیر و ورود ضرر است (Kātūziān, 2018; Muṣaffā, 2014).

در نتیجه، قانون مدنی ضمن پذیرش اصل آزادی فسخ نامزدی، حمایت محدودی نسبت به جبران برخی خسارات برهم خوردن نامزدی را مورد توجه قرار داده است که می‌تواند با قاعده لاضرر قابل جمع باشد (Nūrbahā, 2003).

بررسی حقوقی خسارت ناشی از برهم خوردن نامزدی

مواد مرتبط در قانون مدنی (مواد ۱۰۳۵ تا ۱۰۴۰ و سایر مواد مربوط)

قانون مدنی ایران در بخش مربوط به خانواده، موضوع نامزدی را تحت عنوان «وعده ازدواج» مورد توجه قرار داده است. بر اساس ماده ۱۰۳۵، وعده ازدواج (نامزدی)، به خودی خود، موجب الزام به انجام عقد نکاح نمی‌گردد و هر یک از طرفین می‌تواند مادام که عقد نکاح جاری نشده از وصلت امتناع کند. ماده ۱۰۳۶، صراحت دارد که اجرای وصلت منوط به رضایت طرفین در هنگام عقد است و هیچ‌یک از طرفین حق مطالبه خسارت به دلیل انصراف از

ازدواج را ندارد، مگر این‌که طرف دیگر دچار ضرر و زیان شود که قابل انتساب به تقصیر یا سوءنیت طرف امتناع‌کننده باشد. در ماده ۱۰۳۷ آمده است که اگر یکی از طرفین یا بستگان او هدایایی در دوران نامزدی داده باشند و وصلت انجام نشود، هدایای موجود - حسب مورد - قابل مطالبه است. ماده ۱۰۳۹ نیز مقرر می‌کند که اگر یکی از طرفین نامزد بودن را منتشر کند و سبب ورود لطمه حیثیتی یا خسارت دیگری شود، در صورت اثبات تقصیر، مکلف به جبران خواهد بود (Kātūziān, 2005; Muṣaffā, 2014).

شرایط تحقق مسئولیت و جبران خسارت

➤ مطابق قانون مدنی، تحقق مسئولیت و الزام به جبران

خسارت در فسخ نامزدی دارای شرایطی است:

➤ تقصیر یا سوءنیت: یکی از طرفین باید به عمد یا به

واسطه سهل‌انگاری قابل ملاحظه، باعث بروز خسارت

شده باشد.

➤ احراز ضرر و زیان: ورود خسارت (مادی یا معنوی) باید

محرز باشد و دادگاه تشخیص دهد که عرفاً و قانوناً

خسارتی وارد شده است (Nūrbahā, 2003).

رابطه سببیت: بین رفتار طرف نامزدی (مانند فسخ بدون دلیل موجه یا انتشار غیرمنصفانه اطلاعات مربوط به طرف مقابل) و خسارت وارده، رابطه مستقیم علت و معلولی برقرار باشد (Kātūziān, 2018).

مطالبه و اثبات خسارت: متضرر باید ادعای خسارت خود را اثبات نماید. این شرایط مضمون دادگاه‌ها در دعاوی مربوط به جبران خسارت برهم خوردن نامزدی است و برگرفته از اصول کلی مسئولیت مدنی نیز می‌باشد.

نقش قاعده لاضرر در تفسیر و اجرای این مواد

در مواردی که حکم صریح یا مقتضی برای جبران برخی خسارات در مواد قانون مدنی وجود نداشته باشد، قاعده لاضرر می‌تواند به عنوان یک مبنای تکمیلی، مورد استناد قرار گیرد. به بیان دیگر، هر

است نه قرارداد یا معامله (S. M. B. Modarresi Yazdī, 2011; S. M. H. Modarresi Yazdī, 2011).

تحلیل فقهی برهم خوردن نامزدی و خسارات ناشی از آن از منظر امام خمینی(ره)

در منابع فقهی به صراحت عنوان «نامزدی» کمتر به چشم می‌خورد، اما علمای متأخر و از جمله امام خمینی(ره) با عنایت به عرف اجتماعی و کاربست قاعده لاضرر و قواعد عمومی ضمان، معتقدند اگر یکی از طرفین بتواند ورود ضرر ناروا ناشی از فسخ نامزدی را اثبات کند (مثلاً لطمات حیثیتی، خسارات مالی یا آسیب‌های شخصیتی)، امکان جبران آن بر اساس قاعده لاضرر وجود خواهد داشت. ایشان معتقدند شرط ضمان (مانند پرداخت خسارت ناشی از فسخ) در قراردادها حتی خارج از عقد نکاح، چنانچه غیرشرعی نباشد، نافذ است و اگر ضرری بر اثر رفتار زیان‌بار و خارج از عرف یکی از طرفین به طرف دیگر وارد گردد، علاوه بر قواعد خاص تعهدات و عدم‌النفع، قاعده لاضرر نیز حمایت فقهی برای مطالبه خسارت به وجود می‌آورد (Mūsāvi Bojnūrdī, 1999).

مطابق نظر امام خمینی(ره)، برهم زدن بی‌مبنا و خسارت‌بار نامزدی یا وعده ازدواج - خصوصاً اگر موجب آسیب جدی به آبرو یا موقعیت اجتماعی طرف مقابل گردد - می‌تواند مشمول ضمان قرار گیرد؛ البته احراز سوءنیت، عرف جامعه و میزان تحقق ضرر باید از سوی دادگاه ثابت شود (Kātūziān, 2016).

مقایسه دیدگاه امام (ره) با قانون مدنی ایران

قانون مدنی ایران نیز با الهام از فقه امامیه و قاعده لاضرر، در مواد ۱۰۳۵ تا ۱۰۴۰، اصل آزادی فسخ نامزدی را می‌پذیرد اما در مواردی که برهم خوردن نامزدی منجر به ورود خسارت غیرمتعارف و قابل انتساب به تقصیر یا سوءنیت طرف مقابل گردد، جبران خسارت را ممکن می‌داند. قانون مدنی بیشتر بر عنصر تقصیر و خسارت تأکید دارد و با در نظر گرفتن عرف، جبران

جا که بر هم زدن نامزدی به طور غیر متعارف و زیان‌بار موجب ورود ضرر به طرف مقابل گردد و قانون یا قرارداد حکمی مقرر نکرده باشد، قاعده لاضرر راه را برای جبران این خسارت هموار می‌کند (Khomeini, 2016).

فقه‌های امامیه و برخی از قضات و حقوقدانان ایرانی معتقدند که قاعده لاضرر منافاتی با آزادی طرفین در انصراف از نامزدی ندارد، اما می‌تواند مانعی برای سوءاستفاده، رفتارهای فریبکارانه یا لطمات حیثیتی باشد و مسئولیت مدنی یا حتی کیفری ناشی از سوءنیت را پشتیبانی کند (Hosseini-Niyā, 2009; Sharī'at-Bāqerī, 2013). در مجموع، کاربرد قاعده لاضرر در حقوق مدنی خانواده، به ویژه در فقدان حکم صریح قانونی، زمینه لازم برای جبران خسارت‌های ناشی از ترک بی‌ضابطه نامزدی را فراهم می‌آورد و با معیارهای انصاف و عدالت نیز سازگار است.

تحلیل فقهی: دیدگاه امام خمینی(ره) درباره قاعده لاضرر و خسارت نامزدی

تبیین نظر امام خمینی(ره) درباره قاعده لاضرر

امام خمینی(ره) قاعده لاضرر را یکی از قواعد حاکم بر تمامی ابواب فقه، اعم از عبادات و معاملات می‌داند. از دیدگاه ایشان، مقصود از قاعده لاضرر، نفی هر گونه حکمی است که موجب ضرر غیرمتعارف به اشخاص گردد؛ یعنی در مواردی که اعمال یک حق یا اجرای یک حکم فقهی منجر به ضرر ناروا به دیگری شود، آن حکم یا حق محدود یا رفع می‌گردد و شارع مقدس نیز چنین وضعیتی را نمی‌پذیرد (Hosseini-Niyā, 2009; Mūsāvi Bojnūrdī, 1999). ایشان در تبیین کاربرد قاعده لاضرر، به این نکته تصریح می‌کنند که این قاعده اختصاص به باب خاصی ندارد و اگر اجرای حکمی ضرر فاحش و غیرقابل توجیهی به دیگری وارد کند، «ضرر برداشته می‌شود» و قاعده قابلیت اعمال دارد. بنابراین، آنچه مبتنی بر این قاعده باطل شود، خود حکم شرعی

➤ . شروط و ضوابط جبران خسارت بر اساس قاعده

لاضرر در برهم خوردن نامزدی

➤ ثبوت ضرر: ورود ضرر مادی یا معنوی (هزینه‌ها، لطمه

حیثیتی و غیره) به طرف مقابل باید در دادگاه اثبات شود.

➤ انتساب ضرر به تقصیر یا سوءنیت: جبران خسارت،

زمانی موضوعیت دارد که رفتار بدون دلیل موجه، سوءنیت‌آمیز یا خارج از عرف، منشأ ورود ضرر باشد.

➤ رابطه سببیت: باید رابطه علیت مستقیم میان اقدام طرف

مقابل (مثلاً فسخ نامزدی بدون علت یا افشای اطلاعات

زیان‌بار) و ضرر وارده اثبات گردد (Kātūziān,

2003; Nūrbahā, 2005).

➤ عدم وجود منع قانونی یا شرعی: مطالبه خسارت باید

با مبانی شرعی و مقررات حقوقی مغایر نباشد.

قاعده لاضرر به عنوان مبنایی منعطف و فراموش‌ناشدنی، هم در فقه (از منظر امام خمینی (ره)) و هم در نظام حقوقی ایران (در قالب ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی و سایر مواد) می‌تواند پشتوانه جبران خسارت ناشی از فسخ ناروا، غیرمنصفانه یا تقصیرآمیز نامزدی باشد. هرچند اصل بر آزادی فسخ نامزدی است، اما در صورت احراز ورود ضرر و تحقق تقصیر یا سوءنیت، امکان مطالبه و جبران این خسارات هم از نظر فقهی و هم حقوقی پذیرفته شده است. در مجموع، تلفیق دیدگاه قانون و فقه نشان می‌دهد که جبران خسارت در موضوع نامزدی نیازمند چهار شرط بنیادین است: اثبات ضرر، اثبات تقصیر یا سوءنیت، وجود رابطه سببیت و عدم تعارض با احکام شرعی و قانونی. این رویکرد، ضمن رعایت آزادی افراد، از سوءاستفاده و ورود ضرر ناروا جلوگیری و عدالت قراردادی را تضمین می‌کند.

هزینه‌ها و هدایای رد و بدل‌شده یا خسارات حیثیتی را تجویز

می‌نماید (Muşaffā, 2014; Nūrbahā, 2003).

بنابراین، شباهت کلیدی میان دیدگاه امام خمینی (ره) و قانون مدنی ایران در آن است که هر دو، قاعده لاضرر را زمینه‌ساز محدودیت آزادی فسخ نامزدی و جبران خسارت‌های ناروا می‌دانند. با این تفاوت که امام خمینی نگاه فقهی-اصولی دارد و بر اقتضائات عرف در کنار نصوص دینی تأکید می‌نماید، در حالی که قانون مدنی مکانیزم جبران را با سازوکار روشن‌تری بیان و به تقصیر یا سوءنیت تصریح می‌کند. هر دو دیدگاه، تحقق ضرر، رابطه سببیت و فقدان مجوز شرعی را لازمه جبران خسارت می‌دانند.

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل فقهی و حقوقی، قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد کلیدی فقه امامیه، این امکان را فراهم می‌سازد که هرگاه ضرر ناروا و غیرممتعارف از برهم خوردن نامزدی متوجه یکی از طرفین شود، مطالبه خسارت، اعم از مالی و حیثیتی، بر مبنای این قاعده امکان‌پذیر باشد؛ چه در موارد خلأ یا اجمال قانونی و چه به‌عنوان تکمله‌ای برای تفسیر مواد قانون مدنی (امام خمینی، تحریرالوسیله؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۷۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۴).

قانون مدنی ایران در مواد ۱۰۳۵ تا ۱۰۴۰، اصل آزادی فسخ نامزدی را پذیرفته است؛ اما در عین حال، در صورت اثبات تقصیر یا سوءنیت و ورود خسارت، امکان جبران ضرر ناشی از به‌هم خوردن نامزدی را به رسمیت می‌شناسد. این رویکرد برگرفته از قاعده لاضرر و اصول مسئولیت مدنی است.

امام خمینی (ره) نیز با تأکید بر عمومیت و شمول قاعده لاضرر، بر حمایت از طرف متضرر تأکید دارد و اعمال این قاعده را در موضوع نامزدی و وعده نکاح، مشروع و لازم‌الاجرا می‌داند، مشروط بر اینکه ضرر عرفاً محقق و اثبات شود و از جانب طرف مقابل رفتاری خلاف انصاف یا سوءنیت سر زده باشد

(Khomeini, 2016).

پیشنهادهات

۱. بازنگری و اصلاح قانون مدنی در حوزه خسارت ناشی از نامزدی

➤ تصریح روشن‌تر در مواد قانونی: پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با افزودن مواد یا تبصره‌هایی به قانون مدنی، نحوه جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از فسخ نامزدی و شرایط آن (مانند تقصیر، سوءنیت و رابطه سببیت) را به طور صریح‌تر و جامع‌تری مقرر کند تا زمینه تفسیرهای مختلف و تفاوت رویه قضایی کاهش یابد.

➤ تصریح به جبران خسارت معنوی: صراحت بیشتری در خصوص جبران لطمه حیثیتی، آسیب شخصیت یا آبروی متقاضی خسارت، مطابق با تحولات اجتماعی و حقوق تطبیقی ایجاد شود.

۲. پیوند مؤثرتر فقه و حقوق در این حوزه

➤ استفاده از ظرفیت قاعده لاضرر: پیشنهاد می‌شود متن قانون و رویه قضایی با الهام از دیدگاه امام خمینی (ره) و دیگر فقهای متأخر، امکان استناد به قاعده لاضرر را حتی در موارد سکوت یا اجمال قانون فراهم کند. این امر به ویژه در دعاوی خانوادگی و خسارات معنوی، راهکارهای عادلانه‌تری را در اختیار قاضی و ذی‌نفعان قرار می‌دهد.

➤ ایجاد دستورالعمل‌های تفسیری قضایی: قوه قضاییه می‌تواند طی بخشنامه یا دستورالعمل‌هایی، چگونگی اعمال قاعده لاضرر را در دعاوی مربوط به نامزدی روشن‌تر سازد و وحدت رویه را تقویت کند.

➤ گفت‌وگو و آموزش متقابل میان علمای فقه و قضات دادگستری می‌تواند به فهم بهتر ظرفیت‌های قاعده لاضرر و موازن حقوقی در دادرسی‌ها کمک کند.

۳. تدابیر حمایتی و بازدارنده

➤ پیش‌بینی فرآیند میانجی‌گری و داوری: قانون‌گذار با پیش‌بینی نهاد میانجی‌گری یا داوری در اختلافات نامزدی، امکان اصلاح رفتارها و کاهش دعاوی کیفری و مدنی را فراهم کند و زمینه جبران خسارت دوستانه‌تر را مهیا نماید.

➤ الزام به اطلاع‌رسانی حقوقی قبل و حین نامزدی: تهیه بروشورها یا سامانه‌های اطلاع‌رسانی رسمی با تأکید بر آثار حقوقی و مسئولیت‌های مالی، شخصی و حیثیتی، به افزایش آگاهی عمومی و کاهش دعاوی کمک می‌کند.

۴. مطالعات تطبیقی و تقویت حقوق مقایسه‌ای

➤ الهام از نظام‌های مترقی: انجام پژوهش‌های حقوق تطبیقی جهت الهام از سازوکارهای کشورهای پیشرفته در جبران خسارت دوران نامزدی، می‌تواند راهکارهای مؤثری برای بهبود وضعیت در ایران ارائه دهد.

➤ ترکیب ظرفیت‌های فقهی قاعده لاضرر (از منظر امام خمینی (ره)) و ضمانت‌های حقوقی قانون مدنی ایران، می‌تواند به رفع خلاءهای قانونی و کاهش اجحاف در پرونده‌های برهم خوردن نامزدی بینجامد. قانون‌گذار می‌بایست ضمن تأکید بر عدالت و حمایت از طرف متضرر، آزادی اراده و مصالح اجتماعی را نیز رعایت کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The rule of *La-Zarar* (no harm and no harassment) constitutes one of the foundational principles in Islamic jurisprudence, serving as a general clause to eliminate unjust harm from legal rulings and social relations. This study aims to explore whether this jurisprudential rule can serve as a legitimate legal foundation for claiming compensation in cases of broken engagements (*namzadi*) under Iranian civil law, and how the Civil Code and Imam Khomeini's jurisprudential interpretation provide guidance for such cases. In Iranian family law, the dissolution of an engagement frequently raises questions regarding the right to compensation for moral and material damages. Despite the existence of Articles 1035–1040 of the Civil Code, which discuss engagement and its legal effects, the law remains silent on how to compensate harm resulting from its dissolution (Kātūziān, 2005). The *La-Zarar* rule, grounded in the prophetic hadith “No harm and no harassment in Islam,” has historically been invoked to fill such legal voids (Khomeini, 2016). The present research underscores that, in the absence of explicit statutory guidance, this principle may provide a balanced interpretative tool that both preserves personal freedom and protects the injured party from undue harm (Shari'at-Bāqerī, 2013). By employing an analytical-comparative methodology, the study examines both the statutory context of Iranian civil law and the jurisprudential writings of Imam Khomeini, situating them within a broader framework of Islamic legal reasoning.

The conceptual and theoretical background of the study clarifies that the *La-Zarar* rule aims to prevent harm that is excessive, abnormal, or not tolerated under Islamic ethical and social norms. According to classical and modern scholars, including Subhāni, its essence lies in negating any religious or legal command that would result in serious personal loss (Subhāni, 2010). Jurisprudentially, this hadith has a

universal application, covering contracts, torts, and even public law. Within Iran's legal system, the rule has gained constitutional and statutory grounding—particularly under Article 40 of the Constitution, which forbids using one's rights as a means to harm others. Several provisions in the Civil Code, such as Articles 132 and 132 (typo repetition in sources), implicitly embody this rule (Kātūziān, 2018). Jurists and judges alike have used it to justify compensation where the law is silent or ambiguous, especially in family or social contexts (Hosseini-Niyā, 2009; Shari'at-Bāqerī, 2013). Engagement, as defined by Articles 1035–1040, is a mere “promise of marriage” and does not create marital rights or obligations, yet its dissolution may inflict quantifiable harm—such as wasted expenses, emotional distress, or reputational damage (Muṣaffā, 2014; Nūrbahā, 2003). Iranian courts have historically oscillated between strict literal interpretation and broader equitable reasoning. This study argues that invoking *La-Zarar* provides a coherent mechanism to bridge that interpretative divide and to reinforce fairness in cases involving interpersonal harm.

In terms of positive law, Articles 1035 through 1040 of the Iranian Civil Code delineate the legal nature of engagements and their dissolution. Article 1035 explicitly declares that the promise of marriage does not create an obligation to marry, allowing either party to withdraw freely. However, Article 1036 and subsequent articles implicitly allow for compensation in cases where a party's misconduct—such as deceit, negligence, or moral wrongdoing—causes tangible damage to the other. The return of gifts or restitution of expenses, recognized under Article 1037, represents only partial relief for the injured party (Kātūziān, 2005; Muṣaffā, 2014). The conditions for establishing liability include proof of fault or bad faith, proof of harm, causation, and a lawful claim for damages

(Kātūziān, 2018; Nūrbahā, 2003). However, where statutory remedies fall short, the *La-Zarar* principle can fill the gap, enabling judges to award compensation based on general notions of fairness and the avoidance of harm (Khomeini, 2016). The principle thus complements the law's liberal stance on personal freedom by introducing moral constraints against abuse. Jurists such as Hosseini-Niyā and Shari'at-Bāqerī emphasize that this harmonization ensures both respect for individual choice and deterrence of unjust conduct (Hosseini-Niyā, 2009; Shari'at-Bāqerī, 2013). Through this dual approach, *La-Zarar* not only prevents harm but also functions as an interpretive rule sustaining public trust in legal institutions.

From a jurisprudential perspective, Imam Khomeini's interpretation of the *La-Zarar* principle, particularly in *Tahrir al-Wasila*, provides a decisive framework for understanding harm within both ritual and transactional contexts (Khomeini, 2016). Imam Khomeini views *La-Zarar* as a "governing rule" (*qā'ida ḥākima*) that supersedes any secondary provision which results in unjust harm. His reasoning suggests that whenever the application of a lawful right or rule imposes disproportionate damage on others, such harm must be lifted by divine and judicial intervention (Mūsāvi Bojnūrdī, 1999). This universal application extends to all fields of jurisprudence, from worship to contracts and torts. Khomeini's position resonates with earlier scholars like Modarresi Yazdī, who asserted that *La-Zarar* nullifies the harmful legal consequence itself rather than the act or transaction (S. M. B. Modarresi Yazdī, 2011; S. M. H. Modarresi Yazdī, 2011). Applying this reasoning to engagement, Imam Khomeini allows for compensation when one party's withdrawal produces nontrivial and provable harm, particularly where the action stems from malice or violation of trust. His doctrine acknowledges both material and moral injury,

providing jurisprudential legitimacy for claims such as reputational damage, social stigma, or financial loss (Kātūziān, 2016; Mūsāvi Bojnūrdī, 1999). This approach exemplifies a synthesis between divine justice and social equity, showing how the *La-Zarar* principle operationalizes the ethical aim of Islam: to prevent harm and protect dignity.

Comparatively, the Iranian Civil Code's approach aligns with Imam Khomeini's jurisprudential logic but applies it through a legalistic rather than theological lens. Both recognize the need to balance freedom of withdrawal from engagement with protection against malicious harm. The Civil Code emphasizes proof-based compensation and fault, while Khomeini's view invokes moral reasoning rooted in fairness and custom (*'urf*). In both frameworks, the essential elements of liability remain identical: existence of harm, demonstrable fault or bad intention, causation, and the absence of legal justification (Muṣaffā, 2014; Nūrbahā, 2003). Moreover, as Kātūziān notes, the *La-Zarar* rule acts as a corrective principle ensuring that legal rights do not degenerate into instruments of harm (Kātūziān, 2018). Thus, both the juristic and statutory approaches converge on a model of moderated freedom—one where liberty to withdraw from engagement is preserved, but constrained by responsibility to prevent harm. This dual structure situates the *La-Zarar* rule as both a moral norm and a functional legal mechanism for redress in interpersonal relationships.

Ultimately, the study concludes that the *La-Zarar* principle, as articulated in Islamic jurisprudence and reaffirmed by Imam Khomeini, remains an indispensable legal and ethical foundation for compensating damages arising from broken engagements. It bridges the gap between the Civil Code's emphasis on individual autonomy and the moral imperatives of Islamic law, providing a balanced framework for judicial

interpretation. By applying this rule, Iranian courts can justify compensation even where statutory texts remain silent, ensuring equitable outcomes consistent with both *Shari'a* and modern civil principles. The research also highlights the need for legislative reform—explicitly codifying compensation for both moral and material harm in cases of broken engagement—to reduce judicial inconsistency and enhance legal clarity. This integration of jurisprudential doctrine and positive law not only protects victims from undue loss but also reinforces the integrity of family law and the principle of justice in the Iranian legal system.

References

- Hosseini-Niyā, S. M. (2009). *Jurisprudential and Legal Studies on General Rules*. Islamic Research Center.
- Hurr 'Āmilī, M. i. Ḥ. (2016). *The Means of the Shi'a* (Vol. 25).
- Kātūziān, N. (2005). *Rules of Jurisprudence* (Vol. 2). Mizan Publications.
- Kātūziān, N. (2016). *Legal Events*. Enteshar Publishing Company.
- Kātūziān, N. (2018). *General Rules of Contracts*. Enteshar Publishing Company.
- Khomeini, S. R. (2016). *The Liberation of the Means* (Vol. 2). Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Modarresi Yazdī, S. M. B. (2011). *The Rule of No Harm in Islamic Jurisprudence and Law*. Bustan-e Ketab.
- Modarresi Yazdī, S. M. Ḥ. (2011). *The Jurisprudential Rules*. Isrā' Institute.
- Muṣaffā, M. (2014). *Commentary on the Civil Code in the Current Order*. SAMT.
- Mūsāvi Bojnūrdī, S. M. (1999). *The Jurisprudential Rules, Vol. 2: The Rule of No Harm and Liability* (Vol. 2). Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
- Nūrbahā, M. (2003). *Civil Law: Family*. Dadgostar Publishing.
- Shari'at-Bāqerī, Ḥ. (2013). Analysis of the Rule of No Harm in Iranian Family Law. *Research Journal of Islamic Jurisprudence and Law*(10).
- Subhāni, J. f. (2010). *An Exploration into the Jurisprudential Rules*. Imam Sadiq (a.s.) Institute.